



دانشگاه تهران

پردیس فارابی

دانشکده الهیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته کلام امامیه

بررسی مسأله خلافت الهی انسان از دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر(ره)

نگارنده

مرتضی قاسمی جم

استاد راهنما

دکتر حسین صابری ورزنه

شهریور ۱۳۹۷





پردیس فارابی دانشگاه تهران

شماره:
تاریخ:
پیوست:

به نام خدا
صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دوره روزانه ، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته آقای مرتضی قاسمی جم به شماره دانشجویی ۲۲۰۳۹۴۳۴۰ در رشته کلام امامیه تاریخ ۱۳۹۷/۷/۷ در محل پردیس با عنوان:

« بررسی مسئله خلافت الهی انسان از دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر »

با حضور هیات داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه و نحوه پاسخ به سوالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

پایان نامه مورد قبول می باشد ☐ پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد ☒ پایان نامه مورد قبول نمی باشد ☐
نمره نهایی پایان نامه: ۱۸/۵
تعداد واحد پایان نامه: ۴
درجه پایان نامه: حسن

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما:	دکتر حسین صابری ورزنه	استادیار	پردیس فارابی دانشگاه تهران	
۲	استاد داور:	دکتر سیدضیاءالدین میرمحمدی	استادیار	دانشگاه معارف اسلامی	
۳	استاد داور و نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر محمدحسن احمدی	استادیار	پردیس فارابی دانشگاه تهران	

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی پردیس فارابی

دکتر مهدی ذاکری

تاریخ امضاء

رئیس دانشکده الهیات

دکتر سیدعبدالرحیم حسینی

تاریخ امضاء

پردیس فارابی دانشگاه تهران
معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - بعد از پلایه مسافری - پردیس فارابی دانشگاه تهران
کپستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ صندوق پستی: ۳۵۷
تلفن: ۰۲۵-۳۶۱۶۶۱۰۰ فکس: ۰۲۵-۳۶۶۴۴۰۸۱
Website: <http://farabi.ut.ac.ir> Email: farabi@ut.ac.ir



پر دیس لم

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

تاریخ
شماره
پیوست

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب مرتضی قاسمی جم متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

مرتضی قاسمی جم

۹۷/۷/۲۹

از اساتید کرامی و بزرگوارم
جناب حجه الاسلام سید منذر حکیم
جناب آقای دکتر محمد حسین جمشیدی
جناب حجه الاسلام امید مؤذنی

و به ویژه استاد راهنمای آگاه و دلسوزم

جناب آقای دکتر حسین صابری ورزنه

که در نگارش این پژوهش، با راهنمایی های بی دریغ خود یاری گر نگارنده بودند، کمال
تشکر و قدردانی را دارم و سلامتی و توفیقات روز افزون ایشان را آرزو مندم.

چکیده

مسأله «خلافت الهی انسان» با خاستگاهی قرآنی، بیانگر رابطه‌ای خاص میان خالق هستی و انسان است؛ خداوند فلسفه آفرینش انسان را با مفهوم خلافت، معنا بخشیده و از این روست که فعل خود را مبارک و خود را احسن الخالقین می‌نامد. پرداختن به این موضوع و تعمق و تفکر در ابعاد مختلف آن، می‌تواند اصیل‌ترین تلاش درون‌دینی در حوزه انسان‌شناسی باشد. شهید صدر از جمله متفکرینی است که با موضوعی متفاوت اما کاربردی، به مقوله خلافت پرداخته و در تلاش پیگیر برای تصویر انسان مختار در مقام خلیفه‌اللهی است. از این جهت ضرورت آشنایی با انسان‌شناسی شیعی بر اساس مفهوم خلافت، ما را بر آن داشت تا با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین نظریه شهید صدر در باب خلافت الهی انسان به بررسی ابعاد مختلف اعتقادی و نتایج این نظریه در زندگی فردی و اجتماعی بشر از دیدگاه ایشان بپردازیم. انسان از یک سو هدفمندی جهان و از طرفی دیگر، اختیار خود و تضاد و تزامم همیشگی با نیروهای اطرافش را وجدان می‌کند و در پی حل این تعارض همیشگی است. شناخت نیروهای متزاحم در متن هستی و نظام خلقت و علت و منشا آن‌ها، به‌طور قطع نقش مهمی در خودشناسی و جهان‌بینی انسان خواهد داشت. به ویژه آنکه شناخت این نیروها به سنت و قانونی هدفمند ختم شود که همچون سایر پدیده‌های هستی، نیازمند علل و مقدمات خاص خود است. شهید صدر وجود این قوانین تکوینی را از منظر قرآن به رسمیت شناخته و «خلافت الهی انسان» را در زمره این قوانین هدفمند معرفی می‌کند که در چالش و تعارض دائمی با اراده انسان است؛ از نظر او سنت خلافت، حرکتی توقف ناپذیر به سوی وجود مطلق خداوند است که از خلقت انسان آغاز شده و برای تحقق، نیازمند هدایت خاص الهی در قامت انبیاء و امامان و سپس مرجعیت شیعه است. هدف از این قانون تکوینی نیز به فعلیت رساندن استعدادهای الهی انسان در اداره خود و ماسوی الله و در نتیجه تحقق حاکمیت خدا بر زمین در سایه تعالیم وحی است؛ همچنان که تخلق به اخلاق الهی و رهایی از هوای نفس، در مقیاس فردی و اجتماعی و اقدام جهت برقراری نظم الهی در هستی و تشکیل جامعه توحیدی بر اساس تعالیم انبیاء، از آثار بازگشت انسان به مسیر فطرت الهی و تحقق خلافت الهی انسان است. از این رهگذر نظریه خلافت، به حکم عقل و تمدن بشری بر ضرورت تشکیل حکومت دینی تاکید دارد و حکومت دینی را مقدمه‌ای برای تحقق خلافت انسان و مقوله‌ای وحیانی می‌داند.

کلمات کلیدی: انسان، خلافت الهی انسان، حاکمیت خدا، سید محمد باقر صدر(ره)

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۱-۱-۱- مکتب اسلام و اندیشه صدر	۲
۱-۱-۲- معرفت شناسی صدر	۳
۱-۲-۱- اصل علیت	۵
۱-۲-۲- صدر و مسأله استقراء	۵
۱-۲-۳- استقراء ارسطویی	۶
۱-۲-۴- تبیین جدید صدر از استقراء	۶
۲-۱- بیان مسأله	۸
۲-۱-۱- مسأله خلافت و جامعه‌شناسی صدر	۹
۲-۱-۲- مسأله خلافت و هدایت بشر	۹
۲-۱-۳- نظریه قرآنی - اجتماعی خلافت	۱۰
۳-۱- هدف و ضرورت تحقیق	۱۱
۴-۱- سؤال اصلی تحقیق	۱۲
۵-۱- سؤالات فرعی تحقیق	۱۲
۶-۱- فرضیه اصلی تحقیق	۱۲
۷-۱- فرضیه‌های فرعی تحقیق	۱۲
۸-۱- کلیات روش تحقیق	۱۲
۹-۱- پیشینه تحقیق	۱۳
۹-۱-۱- منبع شناسی	۱۵
۱۰-۱- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق	۱۵
۱۱-۱- ساختار تحقیق	۱۶
فصل دوم: مبانی فکری و روشی شهید صدر در خصوص نظریه «خلافت الهی انسان»	۱۷
۱-۲- هستی‌شناسی شهید صدر	۱۸
۱-۲-۱- واجب الوجود	۱۹

۱۹	۲-۱-۲- عالم غیب و عالم شهادت
۲۱	۲-۲- انسان‌شناسی
۲۳	۱-۲-۲- انسان‌شناسی صدر
۲۳	۲-۲-۱- ساحت‌های وجودی انسان
۲۴	۲-۲-۱- جایگاه حب ذات در شناخت انسان
۲۵	۲-۲-۳- ویژگی‌ها و ارزش‌های ذاتی انسان
۲۸	۲-۲-۴- ابعاد شخصیت انسان
۲۹	۲-۲-۵- محتوای باطنی انسان
۳۱	۲-۲-۶- الگوی آرمانی انسان و انواع آن
۳۴	۲-۲-۷- فطرت انسان و ایمان به خدا
۳۵	۲-۳- قرآن و رویکرد تفسیری صدر
۳۵	۲-۳-۱- تفسیر جزء‌نگر یا جزء به جزء
۳۶	۲-۳-۱- نقد صدر بر رویکرد تفسیری جزء‌نگر
۳۷	۲-۳-۲- تفسیر موضوعی یا وحدت بخش
۳۷	۲-۳-۳- تفاوت‌های بنیادین تفسیر موضوعی و تفسیر جزء‌نگر
۳۸	۲-۳-۴- نگاه هرمنوتیکی صدر به تفسیر
۳۸	۲-۳-۴-۱- اجتهاد و لزوم فهم اجتماعی از آیات و روایات
۳۹	۲-۳-۴-۲- شواهدی بر نگاه هرمنوتیکی صدر
۴۱	۲-۳-۵- ضرورت نظریه پردازی و جایگاه آن در تفسیر «موضوع محور»
۴۲	۲-۳-۶- مراحل کشف نظریه قرآنی از دیدگاه شهید صدر
۴۲	۲-۴- جامعه و تاریخ در قرآن
۴۳	۲-۴-۱- ماهیت فلسفه تاریخ
۴۵	۲-۴-۲- صدر و فلسفه تاریخ
۴۵	۲-۴-۲-۱- ضرورت بحث قرآنی از فلسفه تاریخ
۴۶	۲-۴-۲-۲- شیوه‌های قرآن در بیان سنت‌های تاریخ
۴۸	۲-۴-۲-۳- قالب‌های قرآنی سنت‌های تاریخ

۵۱	۲-۴-۲-۴-ویژگی‌های سنت‌های تاریخ.....
۵۲	۲-۴-۲-۵-اراده انسان و نقش آن در سنت‌های تاریخی.....
۵۳	۲-۴-۲-۶-قلمرو سنت‌های تاریخی.....
۵۶	۲-۴-۲-۷-نقش انسان در صحنه تاریخ.....
۵۶	۲-۴-۲-۸-دین؛ سنتی الهی.....
۵۸	۲-۴-۲-۹-قرآن و عناصر جامعه.....
۵۹	۲-۴-۲-۱۰-ساختار چهارگانه در نظریه الهی و نظریه مادی.....
۶۱	۲-۴-۲-۱۱-استخلاف؛ سنتی الهی.....
۶۱	۲-۴-۲-۱۲-استخلاف؛ سنتی عینی.....
۶۲	۲-۴-۲-۱۳-نسبت دین و ارکان استخلاف در زندگی بشر.....
۶۷	فصل سوم: تقریر و تبیین شهید صدر از «مسأله خلافت الهی انسان».....
۶۸	۳-۱-۱-خط خلافت.....
۶۹	۳-۱-۱-معنای لغوی خلافت.....
۷۰	۳-۱-۲-«خلیفه الله» در روایات.....
۷۱	۳-۱-۳-خلافت در قرآن.....
۷۲	۳-۱-۳-۱-آیه خلافت در آینه تفاسیر.....
۷۶	۳-۱-۴-ویژگی‌های کلی خلافت.....
۷۷	۳-۱-۵-خلافت و مراحل سیر بشریت.....
۷۷	۳-۱-۵-۱-مرحله نخست: زمینه سازی برای نقش خلافت.....
۷۸	۳-۱-۵-۲-مرحله دوم: وحدت فطری بشر.....
۸۰	۳-۱-۵-۳-مرحله سوم: اختلاف و انحراف جامعه.....
۸۲	۳-۱-۵-۴-مرحله چهارم: ضرورت انقلاب و ارکان آن.....
۸۴	۳-۲-خط شهادت و گواهی.....
۸۴	۳-۲-۱-خط گواهی در قرآن.....
۸۵	۳-۲-۱-۱-اصناف گواهان در آینه تفاسیر.....
۸۷	۳-۲-۲-انقلاب و نقش وحی و نبوت.....

۸۸	۳-۲-۱- انقلاب و ضرورت عصمت انبیاء و امامان.....
۹۴	۳-۲-۲- محتوای انقلاب پیامبران.....
۹۵	۳-۲-۳- شرایط عمومی گواهان.....
۹۵	۳-۲-۴- نقش‌های مشترک گواهان.....
۹۶	۳-۲-۵- تفاوت‌های گواهان.....
۱۰۱	۳-۲-۶- تبیین مقام نبوت و امامت.....
۱۰۲	۳-۲-۶-۱- تفاوت‌های نبی، رسول و امام.....
۱۰۵	۳-۲-۷- ضرورت ادامه امامت بعد از نبوت.....
۱۰۵	۳-۲-۸- فلسفه مرجعیت.....
۱۰۶	۳-۲-۸-۱- تاریخچه مرجعیت.....
۱۱۰	۳-۲-۸-۲- اجتهاد و تاریخچه آن.....
۱۱۳	فصل چهارم: آثار و نتایج نظریه خلافت الهی انسان.....
۱۱۴	۴-۱- خلافت و اخلاق فردی و اجتماعی.....
۱۱۵	۴-۱-۱- هدف خلافت.....
۱۱۶	۴-۱-۲- خلافت و لوازم ذاتی آن.....
۱۱۷	۴-۱-۳- خلافت و مسأله مالکیت انسان‌ها.....
۱۱۸	۴-۲- خلافت و اختیار و آزادی انسان.....
۱۱۹	۴-۲-۱- صدر و مسأله اختیار.....
۱۲۱	۴-۲-۱-۱- دیدگاه نائینی.....
۱۲۲	۴-۲-۱-۲- نقد صدر بر نائینی.....
۱۲۳	۴-۲-۱-۳- تقریر نظریه سلطنت.....
۱۲۴	۴-۲-۱-۴- دو نکته در تکمیل نظریه سلطنت.....
۱۲۶	۴-۲-۲- صدر و تعریف آزادی.....
۱۲۷	۴-۲-۲-۱- آزادی فردی در تمدن غرب.....
۱۳۰	۴-۲-۲-۲- آزادی فردی در اسلام.....
۱۳۲	۴-۲-۳- آزادی فکری در اسلام و غرب.....

۱۳۳	 ۴-۲-۲-۴ آزادی اجتماعی در اسلام و غرب
۱۳۷	 ۳-۴ خلافت و حکومت دینی
۱۳۷	 ۱-۳-۴ پیامبران اولین حاکمان الهی
۱۳۸	 ۲-۳-۴ ضرورت تشکیل حکومت دینی
۱۳۹	 ۳-۳-۴ مبانی حکومت دینی از دیدگاه صدر
۱۳۹	 ۱-۳-۳-۴ مبانی عقلی (تکوینی) حکومت دینی
۱۴۱	 ۲-۳-۳-۴ مبانی اعتقادی حکومت دینی
۱۴۳	 ۳-۳-۳-۴ مبانی اخلاقی حکومت دینی
۱۴۵	 ۴-۳-۴ وظایف حکومت دینی
۱۴۷	 ۵-۳-۴ ارکان حکومت دینی
۱۴۸	 ۶-۳-۴ حکومت دینی و مرجعیت
۱۵۰	 ۱-۶-۳-۴ مرجعیت و خط گواهی
۱۵۳	 ۲-۶-۳-۴ بررسی و نقد دیدگاه سوم: خلافت مردم با نظارت مرجعیت
۱۵۵	 ۷-۳-۴ قانون گذاری در حکومت دینی
۱۵۶	 ۱-۷-۳-۴ مفهوم قانون و مسأله «منطقه الفراغ» از دیدگاه صدر
۱۵۸	 ۲-۷-۳-۴ نقش خط گواهی در تبیین عناصر ثابت و متغیر
۱۶۰	 نتیجه گیری
۱۶۵	 فهرست منابع
۱۷۳	 Abstract

فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

شهید صدر در بیست و پنجم ذی‌القعدة سال ۱۳۵۳ ه.ق (۱۹۳۴ م) در شهر کاظمین متولد شد. پدرش سیدحیدر صدر از دانشمندان بزرگ شیعه عراق و اهل علم و تقوی و مادرش دختر عبدالحسین آل‌یاسین از مردان برجسته علمی و مذهبی عراق و بانویی متقی و پاک‌سیرت بود. وی در دوران کودکی در مدرسه ابتدایی (منتدی‌النشر) آموزش می‌دید و نشانه‌های تیزهوشی و نبوغ بی‌نظیرش در این مدرسه گزارش شده است. او در سن دوازده سالگی (۱۳۶۵ ه.ق) به همراه برادرش سیداسماعیل صدر برای گذراندن دوره عالی حوزه به نجف اشرف هجرت کرد و در درس‌های مرحوم آیت الله خویی و دایی خود آیت الله شیخ محمد رضا آل‌یاسین شرکت کرد. وی در سن هفده سالگی به درجه اجتهاد رسید. او فلسفه را از شیخ صدرا بادکوبه‌ای آموخت. مرحوم صدرا بادکوبه‌ای استاد مسلم فلسفه اسلامی بود و اسفار ملاصدرا را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کرد. اما از ترس متحجران مخالف فلسفه از تدریس علنی فلسفه اجتناب می‌نمود؛ صدر فلسفه را به صورت خصوصی در نزد آن مرحوم آموخت و خود در مدتی کوتاه استاد فلسفه شد. وی در سن بیست و پنج سالگی تدریس خود را در درس عالی حوزوی برای دانش پژوهان حوزوی آغاز کرد و بتدریج درحوزه نجف از عالی‌ترین کرسی تدریس برخوردار گردید. علاوه بر مجاهدت‌های صدر و مبارزات بی‌امان او مقام مرجعیت صدر نیز برای حکومت بعثی‌ها خطری بزرگ محسوب می‌شد و بتدریج زمینه‌های نگران‌کننده برای رژیم صدام به وجود آورد. این عوامل منجر شد که یاران و نزدیکان صدر را از طریق دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام از بین ببرند و در نتیجه صدر با موضع‌گیری‌هایش که حالت انقلابی پیدا می‌کرد، چندین بار بازداشت و زندانی شد و سرانجام با تعطیل کردن درس خارج خود و شروع درس جدید تفسیر موضوعی قرآن با هدف ایجاد اندیشه‌های انقلابی و بیدارسازی مردم که چهارده جلسه بیشتر طول نکشید، منجر به محاصره کامل منزل ایشان و زندانی کردن او در منزل و قطع رابطه مردم با وی صورت گرفت که در حدود نه ماه طول کشید. سرانجام در ۱۹ جمادی الاول (۱۴۰۰ ه.ق-۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ ه.ش) به دستور صدام، ایشان را برای چندمین بار دستگیر کرده و به بغداد بردند و پس از شکنجه در روز ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۰ ه.ق، به همراه خواهرش بنت الهدی به شهادت رساندند.

۱-۱-۱- مکتب اسلام و اندیشه صدر

در جهت شناخت عوامل مؤثر بر اندیشه صدر باید گفت زمینه ساز مبنای اصلی و اساسی و افکار اندیشه‌های شهید سید محمد باقر صدر «مکتب اسلام» است. اسلام برای صدر به عنوان مکتبی است که جهت دهنده و موتور حرکت فکری او می‌باشد به گونه‌ای که ایشان غالب تفکرات خود را از «قرآن» و «سنت معصومین» اخذ کرده است. البته صدر «اخباری» یا «ارتجاعی» نیست. اسلام او اسلامی است که همگام با زمان به پیش می‌رود و همیشه نو و تازه است، حقیقت و محتوای آن ثابت است، اما با گذشت زمان کهنه نمی‌شود. چرا که با کمک اجتهاد و انطباق نیازهای هر دوره‌ای از تاریخ بشر با متون اسلامی می‌توان ارتباط بین اسلام و

امت را حفظ کرد و دین را از خطر ارتجاع و جمود نجات داد. از دیدگاه صدر در میان تمام مکاتب الهی و بشری فقط اسلام است که نیرو و توانایی بالقوه و درونی را برای رهبری بشریت و جهت دادن به زندگی او دارد. شهید صدر اسلام را مکتبی جهانی و همیشگی می‌داند؛ زیرا این مکتب که به شخصیت و طبیعت انسان ایمان دارد، فطری است و لذا با فطرت درونی انسان و استعدادها، و نیازها و خواسته‌های او سازگار و دربردارنده اصول مشترک بین همه انسان‌هاست و در نهایت به رشد و توسعه جوامع انسانی نظر داشته و با عوامل منفی و موانع توسعه و ترقی حیات بشری معاضدت دارد. از نظر صدر توجه اسلام به غرایز اصیل بشری و ضرورت به کارگیری صحیح و مطلوب آن‌ها، خود بیانگر کمال و تعالی مطلوب این مکتب آسمانی در فهم انسان و نیازهایش است. البته توجه اسلام به غرایز انسانی به معنای دعوت اسلام به مادیات صرف نیست؛ بلکه منظور هدایت صحیح غرایز و تربیت آن‌ها در سایه وحی و عقل است. از دیگر ویژگی‌های اساسی خوانش صدر از اسلام، توجه ناب او به سنت و سیره پیشوائیان معصوم است؛ او معتقد است آنگاه که به دور از آرایش‌ها و انحرافات سراغ متون مقدس برویم، می‌توانیم از رفتار و گفتار معصوم برای خود منبعی الهی و خالص، در تعریف تمام ارکان زندگی و من جمله قانون گذاری داشته باشیم.^۱

۱-۲- معرفت شناسی صدر

ضرورت طرح معرفت شناسی در این پژوهش که با تعریفی درون دینی به بحث از تاریخ حیات بشر و قوانین حاکم بر آن و نیز انسان به عنوان خلیفه الله می‌پردازد، از این جهت است که در تفسیر شهید صدر از تاریخ، انسان اهمیتی فراوان دارد و با آنکه بشر قادر نیست در نتیجه نهایی جریان تاریخ تأثیر بگذارد، ولی می‌تواند آن را سرعت بخشیده یا به تعویق بیندازد؛ آن چنان که می‌تواند به رسالت الهی تمسک جسته و برای بنای شهری عادلانه که عبارت است از شکل‌گیری جامعه انسانی بر مبنای خلافت الهی، تلاش کند و یا با پشت کردن به قابلیت و توانایی خود، نعمت هدایت و سعادت را نادیده انگارد. اما پرسش این است که انسان به چه شکل می‌تواند نقش خود در جریان تاریخ ایفا کند؟ آیا او قدرتهایی عقلانی دارد که او را شایسته جانشینی خدا بر زمین می‌کند؟ با شناخت ماهیت انسان و قدرت او در ادراک وظیفه عظیم تاریخی اش در زمین و محیط پیرامون خود می‌توان به این پرسش پاسخ داد.

پرسش‌های مربوط به نظریه معرفت از آن رو اهمیت می‌یابد که مثلاً وقتی یک پژوهشگر، تنها به این دلیل که انسان می‌تواند واقعیتی را از طریق حواس خود دریابد، واقعیت را مساوی عالم حس و ماده قرار می‌دهد و در نهایت نیز به این نتیجه می‌رسد که ارزش‌های اخلاقی، نسبی هستند و هدف نظام اخلاقی در حوزه فرد و اجتماع نیز اشباع خواسته‌های مادی انسان است. از سوی دیگر با تعریف وجود، جهان متافیزیک (ماوراء الطبیعه) نیز تعریف می‌گردد و تاثیر خود را در تعریف و گستره ارزش‌های اخلاقی نشان می‌دهد؛ شهید صدر انسان را از آنجا که یکی از مخلوقات خداوند به شمار می‌آید در مقابل او مسئول می‌داند. از نظر

۱ - جمشیدی، ۱۳۷۷، ۵۹ - ۶۱

او با آنکه خدا حرکت تاریخ را به طور کامل ترسیم کرده، انسان می‌تواند با اراده خود، مسیر وقایع آن را تغییر دهد؛ با این بیان از دیدگاه صدر اشکال متافیزیک نیز در دایره وجود قرار می‌گیرند و بالتبع عقاید دینی که بیانگر رابطه انسان و خدا هستند، جزئی از معرفت انسان به شمار خواهند آمد. چرا که با توجه به نگاه الهی به هستی می‌توان به نتایج آن در حوزه اخلاق و معرفت نیز اذعان داشت.

عمده‌ترین بحثی که در معرفت‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد، وسیله و ابزار کشف معرفت و منبع آن است که فلاسفه غرب از این جنبه به چند دسته تقسیم می‌شوند: گروهی چون جان لاک، بارکلی و ... به اصالت تجربه روی آوردند و برخی چون کانت و هگل و ... به اصالت عقل^۱ اعتقاد دارند. شهید صدر بعد از تعریف تصور و تصدیق و بررسی آن از نگاه عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان، تصدیقات را به دو قسم تصدیقات ضروری و نظری تقسیم می‌کند و اعتقاد دارد جهان مادی که ما با کمک حواس خود آن را درک می‌کنیم، تصورات حسی را به ما می‌دهد که عقل، با اتکا به آن مدرکات بسیط (تصورات حسی)، مدرکات جدیدی را می‌سازد که در جهان مادی، وجود حقیقی ندارند (نظریه انتزاع). بنابراین عقل بر خلاف حواس که فقط وجود مادی را درک می‌کنند، قادر به تولید مفاهیمی است که مابۀ ازاء مادی و خارجی ندارند. اما آنچه به نام معرفت می‌شناسیم، فعالیت دوم عقل یا همان تصدیق است و فقط همین شناخت تصدیقی است که می‌تواند پرده از واقعیتی بیرونی برای پدیده‌ها بردارد؛ اما تصور، در هیچیک از انواع آن، وظیفه کشف تصدیقی ندارد. فرایند تفکر نیز در واقع مدیریت تصورات حسی ابتدایی و ثانویه در پرتو معارف فطری اولیه توسط عقل است تا میزان مطابقت آن‌ها با واقعیت عینی سنجیده شود. پس عقل انسان قدرت درک واقعیت‌های عینی اطراف خود به واسطه فرایند تفکر را دارد و در واقع شناخت‌های تصدیقی چیزی جز درک واقعیت‌های عینی در پرتو شناخت‌های ضروری اولیه نیست.^۲

ایشان پس از توضیحات مفصل در نقد مکتب تجربی و در توضیح علل و اسباب نخستین شناخت، به این نتیجه می‌رسد که همه نظریه‌های تجربی در علوم طبیعی، بر پایه چند شناخت عقلی استوارند که خود آن‌ها تابع تجربه نیستند؛ بلکه عقل بدون واسطه به آن‌ها باور دارد و در واقع جزء معارف عقلیه اولیه‌اند:

الف) اصل علیت به معنای ممنوعیت و محال بودن تصادف و اتفاق؛

ب) اصل هماهنگی میان علت و معلول که حکم می‌کند قضایایی که دارای حقیقت مشترکند، به علتی مشترک نیز استناد یابند.

ج) اصل عدم تناقض یا استحاله اجتماع نقیضین.^۳

۱ - صدر، ۱۳۹۳، ۷۶ - ۸۱

۲ - همان، ۷۴ - ۱۰۲

۳ - همان، ۱۰۲

۱-۲-۱-۱- اصل علیت

بنابر دیدگاه صدر از جمله نخستین مدرکات بشر در زندگی معمول خویش، اصل علیت است که هر پدیده‌ای را نیازمند علت می‌داند. این اصل از اصول عقلی ضروری است؛ زیرا عاملی درونی و فطری، انسان را برمی‌انگیزد تا برای یافتن علت اشیائی که با حواس خود درکشان می‌کند، بکوشد و با یافتن علت، دلیل «وجود» آن‌ها را توجیه کند. به اعتقاد او تصدیق وجود واقعیت عینی جهان، تصدیق ضروری اولی است و از این رو نیاز به دلیل ندارد. به عبارت روشنتر علم اجمالی به وجود واقعیت برای جهان، یک حکم ضروری اولی است که به دلیل، یعنی علم پیشین، نیاز ندارد؛ چرا که برای اثبات عینی بودن هر تصور حسی، نیازمند دلیل هستیم و این دلیل همان اصل علیت و قوانین آن است. تطبیق این اصل بدین صورت است که پدید آمدن صورت ذهنی برای شیء معین در شرایط و وضعیت خاص، از وجود علتی بیرونی برای آن پرده برمی‌دارد. یعنی از صورت ذهنی به علت بیرونی آن صورت پی می‌بریم. پس این جهان وجود دارد و چون وجود دارد، معلول علتی است. صدر قائل است اگر اصل علیت و قوانین آن نباشد، اثبات عینی بودن (واقعیت داشتن) احساس (تصور حاصل از محسوسات) و همچنین اثبات عینیت تمام نظریات و قوانین علمی امکان‌پذیر نیست و استناد به هیچ دلیلی در هیچ‌یک از قلمروهای شناخت بشری صحیح نخواهد بود.^۱

بر این اساس است که جهان از وجود واجب بالذات ریشه می‌گیرد که متکی به خود است و به علتی نیاز ندارد و این همان ضرورت قانون علیت است که در تمام هستی ساری و جاری است؛ زیرا از آنجا که قانون علیت اصل ضروری هستی است و هر پدیده‌ای حتماً علتی دارد و از طرف دیگر محال است که زنجیره علل تا بی‌نهایت ادامه یابد؛ پس لازم است که این اصل بر همه هستی به گونه پیاپی تطبیق شود تا به علت نخستین که واجب الوجود است، برسد.^۲

۱-۲-۲-۱- صدر و مسأله استقراء

شهید صدر در کتاب مبانی منطقی استقراء ساختار معرفتی متفاوتی را پی‌ریزی کرده است که بنا به ضرورت بحث و به اختصار به آن اشاره می‌کنیم. توضیح بیشتر اینکه در باب استقراء، در میان متفکران اسلامی سابقه‌ای در خصوص پرداختن به این موضوع دیده نمی‌شود، تا اینکه شهید صدر به طور خاص و مبسوط به این امر پرداخت. او با رویکردی انتقادی نسبت به آنچه تا زمانه او در مورد استقراء بیان شده است و با نوآوری‌های خاص خود، به بسط و توضیح استقراء مبادرت ورزیده است. با این بیان که صدر در کتاب مبانی منطقی استقراء، تعریف خاصی از استقراء که شامل استنتاج بر اساس مشاهده و استنتاج بر اساس آزمایش و تجربه است، ارائه می‌دهد که با تعریف ارسطو از استقراء اختلاف دارد؛ چرا که ارسطو در روش استقرائی خود فرقی میان مشاهده و تجربه نمی‌گذارد و به طور کلی هر استدلالی را که مبتنی بر مشاهده و بررسی

۱ - صدر، ۱۳۹۳، ۳۳۳ - ۳۳۵

۲ - همان، ۳۶۴

تعدادی از افراد و جزئیات، برای رسیدن به حکم کلی باشد، استقراء می‌نامد. بر همین اساس نیز استقراء را به کامل و ناقص تقسیم می‌کند. در حالی که بنابر تعریف صدر، استقراء قابل تقسیم به این دو نوع نیست. منظور از مشاهده در تعریف صدر صرف نظاره امور واقعی در عالم بدون دخالت در آن‌هاست و منظور از تجربه و آزمایش نیز بررسی پدیده‌های عالم با دخل و تصرف در آن‌هاست.^۱

۱-۲-۳- استقراء ارسطویی

ارسطو معتقد بود استدلال استقرائی ما را به یقین می‌رساند و منظور او از یقین، همان یقینی است که قیاس به ما می‌دهد؛ یعنی یقینی منطقی. ارسطو برای آنکه استقراء توان برابری با قیاس داشته باشد، استقراء را به قیاس تأویل و به زعم خود مشکل استقراء ناقص (اینکه از یک سو گزاره‌های علمی از حس و تجربه یعنی از استقراء حاصل شده‌اند و از طرف دیگر استقراء به صورت منطقی نمی‌تواند به همه زمانها تسری یابد و در نتیجه نمی‌تواند مفید علم باشد) را حل کرد؛ به این ترتیب که ارسطو قاعده «الاتفاقی» را که می‌گوید: «امر اتفاقی همیشگی و دائمی نیست» به عنوان کبرای این قیاس و مشاهدات استقرائی را صغرای آن قرار داد. در واقع، ارسطو با ترتیب دادن این قیاس، تلویحا می‌پذیرد که هر چیزی علتی دارد و بر این اساس، نتیجه استقراء دارای یقین منطقی است و از آن جا که اصل سنخیت، از ملزومات اصل علیت است، اصل سنخیت را که همان اصل یک‌نواختی طبیعت است، می‌پذیرد. در واقع، او نتیجه دادن استقراء را مبتنی بر اصل علیت و اصول فرعی آن، یعنی اصل ضرورت علی و اصل سنخیت می‌داند. بنابراین، ارسطو با توسل به قاعده الاتفاقی، تصادف مطلق را مردود می‌داند و با قبول اصل سنخیت، تصادف نسبی را در عالم رد می‌کند و با قبول علیت به معنای عقلی، به گمان خود مشکل استقراء را حل کرد.^۲

۱-۲-۴- تبیین جدید صدر از استقراء

شهید صدر با اشکالاتی که بر قاعده الاتفاقی وارد کرد، تلاش ارسطو را در دادن یقین منطقی به استقراء، بی‌ثمر می‌داند؛ در حالی که او همانند ارسطو معتقد است استدلال استقرائی ما را به یقین می‌رساند، اما نه یقین منطقی بلکه یقین موضوعی و به طور کلی تأویل استقراء به قیاس را امری ناممکن می‌داند. ایشان در تبیین استقراء همانند ارسطو، قائل به این است که در این راستا باید به رابطه علیت به معنای عقلی، اعتقاد کامل داشته باشیم اما همانند او اصل علیت را ناشی از اصل تناقض نمی‌داند و در نتیجه، همانند او این اصل را بدیهی و پیشینی نمی‌داند؛ بلکه معتقد است این اصل به همراه اصل سنخیت و قاعده الاتفاقی، اصولی تجربی و استقرائی هستند و برای تبیین استقراء، همین قدر که معتقد به دلیلی قبلی برای رد رابطه علیت به معنای عقلی نباشیم، کفایت می‌کند. در واقع، شهید صدر برخلاف ارسطو، معتقد است که حتی اگر در این اصل شک هم داشته باشیم یعنی اگر آن را صرفا احتمالی بدانیم، در مسیر توضیح و تشریح استقراء

۱ - ذکیانی، جان نثاری، ۱۳۸۹، ۸ و ۹

۲ - گندمی نصرآبادی، ۱۳۸۱، ۳۲

خللی وارد نمی‌شود و این امر موضوعی کلیدی در فهم استقراء از جانب شهید صدر است و کسانی که بالکل منکر اصل علیت هستند، نمی‌توانند تبیین استقراء از جانب شهید صدر را نیز بپذیرند. بنابراین با توجه به تمام نقدهایی که شهید صدر بر استقراء ارسطو وارد می‌کند، اما خود در تبیین استقراء، در سه امر از ارسطو الهام می‌گیرد:

الف) شهید صدر همانند ارسطو، در پی آن است که پایه‌ای منطقی برای استقراء پی ریزی کند؛ اما منظور شهید صدر از این منطق، منطق ارسطویی نیست، بلکه منطقی جدید و ابداع خود او با نام «منطق استقرائی» است که شامل منطق ارسطویی، بدیهیات شش‌گانه حساب احتمالات و یکسری اصول و بدیهیات اضافی ابداعی شهید صدر است؛ به نحوی که ایشان استقراء را به دو مرحله توالد موضوعی یا مرحله استنباطی و مرحله توالد ذاتی تقسیم می‌کند که مرحله استنباطی کاملاً همانند دلیل استنباطی و در نتیجه کاملاً منطبق بر منطق ارسطویی است، اما مرحله ذاتی مبتنی بر اصول ابداعی شهید صدر است.

ب) شهید صدر مانند ارسطو معتقد به کسب یقین از جانب استقراء است، اما نه یقین منطقی، بلکه یقین موضوعی. گفتنی است که یکی از ابداعات شهید صدر این است که یقین را به سه دسته منطقی، موضوعی و ذاتی تقسیم بندی می‌کند.

ج) همچنین شهید صدر رابطه علیت به معنای عقلی، یعنی وجود ارتباط ضروری میان علت و معلول را مانند ارسطو می‌پذیرد؛ اما برخلاف ارسطو، قائل به بدیهی و پیشین بودن آن نیست، بلکه آن را اصلی تجربی و استقرائی می‌داند و معتقد است در تبیین استقراء، نداشتن دلیل قبلی برای رد رابطه علیت کافی است و لازم نیست به آن اعتقاد کامل داشته باشیم. شهید صدر این سه امر را از ارسطو کسب می‌کند، اما در سطح آن‌ها باقی نمی‌ماند و با خلاقیت‌های ناب خود، آن‌ها را گسترش می‌دهد و سپس به نقد آرای تجربه‌گرایان در باب استقراء می‌پردازد. شهید صدر دیدگاه تجربه‌گرایان در باب استقراء را به سه نظریه تقسیم می‌کند و به نقد هر یک از آن‌ها می‌پردازد. مهم‌ترین فردی که او تفکراتش را به چالش می‌کشد، دیوید هیوم است. در طول تاریخ فلسفه، هیوم بیشترین و مهم‌ترین انتقادات را به اصل علیت وارد کرده است و از آنجا که شهید صدر در تبیین استقراء، به اصل علیت به معنای عقلی آن نیاز دارد، انتقادات زیادی را بر آرای هیوم وارد کرده است. اما شهید صدر از هیوم نیز دو نکته را الهام گرفته و در این دو مورد با او هم‌داستان است:

الف) همانند او اصل علیت را ناشی از اصل عدم تناقض نمی‌داند، چرا که انکار آن مستلزم تناقض نیست، اما برخلاف هیوم به وجود رابطه ضروری میان علت و معلول و یا علیت به معنای عقلی قائل است، اگر چه آن را اصلی استقرائی و تجربی می‌داند که حتی هیوم تجربه‌گرا به آن قائل نیست.

ب) شهید صدر نیز همانند هیوم به استقراء، جنبه روان‌شناختی می‌دهد و قائل به این است که استقراء ما را به یقین ذاتی می‌رساند، اما تفاوت شهید صدر با هیوم در این است که ایشان، استقراء را دارای دو مرحله

استنباطی و ذاتی می‌داند و معتقد است استقراء تنها در مرحله ذاتی، دارای جنبه روان‌شناختی است و در مرحله استنباطی کاملاً جنبه عقلی و منطقی دارد و در نهایت، استقراء ما را به یقین موضوعی می‌رساند. شهید صدر بعد از نقد ارسطو و تجربه‌گرایان، به بحث پیرامون احتمال و حساب احتمالات می‌پردازد؛ چرا که در مرحله استنباطی از احتمال بهره می‌برد. ظاهراً استفاده شهید صدر از حساب احتمالات در تفسیر استقراء ملهم از بیزگرایان است؛ اما نکته قابل توجه آن است که شهید صدر در حد آن‌ها باقی نمی‌ماند. چرا که وی علاوه بر شش بدیهی نظریه احتمال، پنج بدیهی دیگر را به این بدیهیات ضمیمه می‌کند. شهید صدر همانند آن‌ها قائل به رسیدن نتیجه استقراء، به مقدار احتمال بسیار زیاد است؛ اما از نظر او این امر در مرحله استنباطی تحقق می‌یابد و در مرحله دوم یعنی مرحله ذاتی، این میزان احتمال زیاد تبدیل به یقین می‌شود. در حالی که استقراءگرایان بیزی در نهایت نتیجه استقراء را توجیه کننده می‌دانند و معتقد به یقین و قطعیت از جانب آن نیستند. همچنین از نظر شهید صدر، یکی از شروط برای به نتیجه رسیدن استقراء، قائل بودن به اصل علیت است؛ چه به آن یقین داشته باشیم و چه آن را احتمالی بدانیم. در حالی که بیزگرایان اساساً اصل علیت به معنای عقلی را نمی‌پذیرند و آن را به عنوان شرط در نظر نمی‌گیرند.^۱

صدر قائل است که عقل برای ساخت بنای علمی و معرفتی خود به قوانین اولیه ریاضی و قوانین احتمالات متکی است. او در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که عقل می‌تواند از طریق احتمالات به اصل علیت دست یابد، اما خود قوانین احتمالات جزئی از معارف عقلی فطری هستند؛ بنابراین این قوانین ریاضی و مبادی احتمالات، اساس شناخت جهان مادی و جهان غیرمادی (متافیزیک) هستند. او در کتاب مبانی منطقی استقراء قائل است که انسان از طریق تجارب و مشاهدات خود از پدیده‌های جهان هستی می‌تواند به اصل علیت برسد. براین اساس انسان از طریق استقرائی به شناخت از جهان و حقیقت وجودی پیرامون خود دست می‌یابد، نه از طریق استنباطی؛ بنابراین در می‌یابیم که معارف عقلی فطری مبتنی بر تجربه بشری هستند؛ یعنی انسان از طریق مشاهده و تجربه محیطی، معارف عقلی فطری خود را استنتاج می‌کند و این استقراء، همان است که به انسان قدرت کشف جهان مادی و غیر مادی را می‌دهد. شهید صدر از طریق این نظریه اثبات می‌کند که روش تجربی هم ما را به ایمان به خدا و دین می‌رساند.^۲

۱-۲- بیان مسأله

تبیین جایگاه انسان در هستی و سؤال از مبدأ و منزل و مقصود خلقت انسان ریشه در اندیشه انسان‌شناختی دارد که دیرزمانی است که جدی‌ترین چالش متفکرین مکاتب الهی و بشری بوده است. انسان‌شناسی از جهات مختلفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از آن جمله می‌توان به رابطه انسان‌شناسی با شناخت خدا و همچنین رابطه آن با فلسفه آفرینش انسان اشاره کرد که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است.

۱ - ذکیانی، جان نثاری، ۱۳۸۹، ۲۹ - ۳۲

۲ - حمدانی، ۱۳۹۴، ۲۳۳

ساختار معرفت دینی به واسطه تاکید بر مفاهیم غیر محسوس و دور از دسترس تجربه بشری همواره با نوعی تقدس و جذابیت ابهام آمیز و البته از منظر مخالفین با پشتوانه‌های غیر منطقی و غیر عقلی همراه است. البته در میان انسان‌شناسی‌های دینی، الهیات شیعی به دلیل رویکردی خاص به عقل و نقل، همواره مورد توجه متفکرین حوزه‌های گوناگون بوده است که در این پژوهش به یکی از رویکردهای اساسی آن در حوزه انسان‌شناسی خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱- مسأله خلافت و جامعه‌شناسی صدر

یکی از اساسی‌ترین کلیدواژه‌های قرآنی در خصوص انسان‌شناسی شیعی، واژه «خلیفه الله» است که مقارن با سیر خلقت انسان و در کنار بعثت انبیاء مطرح شده و در آیات متعددی مورد توجه قرار گرفته است. انسان‌شناسی صدر در ارتباطی تنگاتنگ با مباحث جامعه‌شناسی ایشان بوده و حتی می‌توان پرداختن به مسأله خلافت را مبانی جامعه‌شناسی صدر دانست. از این رهگذر است که قوانین حاکم بر تاریخ حیات بشر در جامعه‌شناسی صدر اهمیت می‌یابد. چرا که بدون شناخت علل کلی حاکم بر زندگی انسان، نمی‌توان به درک درستی از انسان و جامعه انسانی رسید. شاهد بر این سخن تعریف صدر از جامعه‌شناسی است؛ او این علم را چنین تعریف می‌کند: «جامعه‌شناسی علمی است که به شرح و بیان زندگی اجتماعی، حوادث و پدیده‌های مربوط بدان و هر آنچه این حوادث و پدیده‌ها را به اسباب و علل کلی حاکم بر آن مرتبط می‌سازد، پراخته است». شهید صدر واژه «جامعه» را برای گروهی از مردم به کار می‌گیرد که روابط و پیوندهایی میان‌شان برقرار است و این روابط نیز مبتنی بر مجموعه‌ای از افکار و اصول متکی بر توانایی‌ها و استعداد‌های گوناگون انسانی است. این همان مفهومی است که قرآن کریم از آن با عنوان امت نام برده است.^۱ بنابر تعریف صدر از جامعه، می‌توان گفت که به اعتقاد ایشان، جامعه بر روابط موجود میان افراد استوار است.^۲

۱-۲-۲- مسأله خلافت و هدایت بشر

شهید صدر با تکیه بر روش تفسیری خاص خود، تحت عنوان تفسیر «موضوع محور» در پی ارائه تبیینی قرآنی در باب مسایل مختلف من جمله سنت‌های تاریخی است. ایشان ضمن پرداختن به جزئیات سنت‌های تاریخی از منظر قرآن، به تبیین عناصر جامعه از دیدگاه قرآن ذیل مفهوم «استخلاف» می‌پردازد. به اعتقاد او روابطی که میان افراد جامعه و طبیعت در جریان هستند در چارچوب «استخلاف» به عنوان سنتی از سنن تاریخی، معنا می‌گیرند و «دین» هم در قالب سنتی دیگر، نقش به سزایی در جهت‌دهی به این روابط خواهد داشت. صدر با محوریت مفهوم قرآنی «خلیفه الله» و با دغدغه کاربردی کردن دین در زندگی بشر، تبیینی درون‌دینی از جایگاه انسان در نظام خلقت ارائه می‌دهد و با تاکید بر تکلیف ذاتی و تکوینی انسان، جامعه توحیدی و تنظیم حیات اجتماعی انسان بر روی زمین را دائر مدار دو خط بنیادین معرفی می‌کند:

۱ - حکیم، ۱۴۳۰، ۴۹ - ۵۲

۲ - صدر، ۱۴۳۴، ج ۱، ۱۹